

اثر تعدیلی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اثربخشی کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۳

فاطمه عادل قلی کندی^۱

امید عادل قلی کندی^۲

چکیده:

از آنجایی که کمیته حسابررسی هم با حسابرسان داخلی و هم با حسابرسان مستقل در ارتباط است، بنابراین افزایش کیفیت حسابررسی داخلی و حسابررسی خارجی، منجر به بالا رفتن اثربخشی کمیته حسابررسی خواهد شد و در نتیجه کمیته حسابررسی می‌تواند تاثیر بسزایی در کاهش ریسک‌های شرکت داشته باشد. هدف اصلی این پژوهش بررسی اثر تعدیلی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اثربخشی کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون خطی چندگانه استفاده گردیده است. برای اندازه‌گیری اثربخشی کمیته حسابررسی از سه ویژگی اندازه کمیته حسابررسی، استقلال کمیته حسابررسی و تخصص مالی کمیته حسابررسی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق پس از اعمال برخی محدودیت‌های موجود در پژوهش، شامل ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. شواهد پژوهش نشان داد که بین اندازه کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که بین استقلال کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین تخصص مالی کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین اندازه کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین استقلال کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. به علاوه، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. این نتایج مبین اثربخشی کمیته حسابررسی در بهبود مدیریت ریسک سازمان است که در این بین، ارتباطات سیاسی می‌تواند میزان اثربخشی کمیته حسابررسی بر مدیریت ریسک سازمانی را کاهش دهد.

واژه‌های کلیدی: کمیته حسابررسی، مدیریت ریسک سازمانی، ارتباطات سیاسی.

۱. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۲. کارشناس ارشد حسابررسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، نویسنده مسئول، پست الکترونیکی:

۱- مقدمه

ریسک، به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از کلیه فعالیت‌های تجاری محسوب می‌شود و مدیریت اثربخش آن، نه تنها در رابطه با پیشگیری از مشکلات مالی و انجام بودجه‌بندی سرمایه‌ای و عملیاتی به سازمان کمک می‌کند، بلکه فرآیند تصمیم‌گیری را نیز بهبود می‌بخشد. در واقع یکی از اصلی‌ترین وظایف مدیریت، سروکار داشتن با ریسک اختصاصی است (مکنالی و توپوف^۱، ۲۰۱۴). به طور کلی، پیاده‌سازی مدیریت ریسک سازمانی، هیئت‌مدیره و سایر مدیران ارشد شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا کنترل بیشتری بر ریسک کلی شرکت داشته باشند (اودنل^۲، ۲۰۱۲).

مدیریت ریسک سازمانی برنامه‌ای است که ریسک‌های یک سازمان را به روشی جامع و یکپارچه مورد بررسی قرار داده و به منزله بخشی از استراتژی کلی کسب و کار در نظر گرفته می‌شود و یکی از اهداف اصلی آن افزایش ارزش سهامداران است (مویلبرگ^۳، ۲۰۱۲، هویت و لیونبرگ^۴، ۲۰۱۵). تغییرات به وجود آمده در عوامل داخلی شرکت‌ها و نیز تغییر در عوامل محیطی شرکت باعث افزایش دامنه و پیچیدگی ریسک شرکت‌ها شده و این امر منجر به افزایش تقاضا برای استفاده از مدیریت ریسک سازمانی به عنوان یک چارچوب مدیریت ریسک کل‌گرا شده است (پگچ و وار^۵، ۲۰۱۸).

به طور کلی، پیاده‌سازی سیستم مدیریت یکپارچه ریسک، هیات‌مدیره و سایر مدیران ارشد سازمان را قادر می‌سازد تا کنترل بیشتری بر ریسک کلی شرکت داشته باشند و این امر در نهایت موجب کاهش خطر کنترل در فرآیند حسابرسی، بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی خواهد شد (هاس^۶ و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین بررسی عوامل موثر بر بهبود مدیریت ریسک سازمانی ضروری می‌باشد و به نظر می‌رسد که در صورت وجود مکانیزم‌های نظارتی موثر در شرکت، پیاده‌سازی مدیریت ریسک شرکت توسط مدیران بهتر صورت پذیرد. یکی مهم‌ترین مکانیزم‌های نظارتی که در طول سال‌های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته است، کمیته حسابرسی می‌باشد.

کمیته حسابرسی به عنوان بخش مهمی از نظام حاکمیت شرکتی می‌تواند موجب بهبود فرآیند گزارشگری مالی و عملکرد شرکت شود. از سال ۱۳۹۱ به بعد، کمیته حسابرسی مورد توجه سرمایه‌گذاران و دولت قرار گرفته است؛ زیرا این کمیته مسئولیت نظارت بر کنترل‌های داخلی و گزارش‌های مالی شرکت‌ها را بر عهده دارند. از طرفی پایه و اساس اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، ارائه اطلاعات مالی مربوط و قابل اتکا است. اما برخی از شرکت‌ها اقدام به دستکاری فرصت‌طلبانه صورت‌های مالی می‌نمایند. بنابراین، وجود کمیته‌ای مستقل در شرکت همانند کمیته حسابرسی به عنوان یکی از ارکان نظام حاکمیت شرکتی، برای کنترل مداوم چنین فعالیت‌هایی ضروری

1. McNally
2. O'Donnell
3. Meulbroek
4. Hoyt & Liebenberg
5. Pagach & Warr
6. Hass

است (بنسال و شارما، ۲۰۱۶).

از آنجایی که کمیته حسابرسی هم با حسابرسان داخلی و هم با حسابرسان مستقل در ارتباط است، بنابراین افزایش کیفیت حسابرسی داخلی و حسابرسی خارجی، منجر به بالا رفتن اثربخشی کمیته حسابرسی خواهد شد و در نتیجه کمیته حسابرسی می‌تواند تاثیر بسزایی در کاهش ریسک‌های شرکت داشته باشد. در واقع، کمیته حسابرسی می‌تواند کنترل‌های حاکم بر گزارشگری مالی شرکت را افزایش دهد و در چنین شرایطی دستکاری‌های فرصت‌طلبانه مدیران کاهش، قابلیت اتکای صورت‌های مالی افزایش و از سوی دیگر بازده مطالبه شده توسط سهامداران به دلیل کاهش ریسک‌های پیش‌روی شرکت کاهش می‌یابد و در نتیجه مدیریت ریسک سازمانی به دلیل کاهش ریسک کلی شرکت بهتر برنامه‌ریزی و انجام خواهد شد (مسیر آ و همکاران، ۲۰۱۴؛ بایلی، ۲۰۱۸). بنابراین، انتظار می‌رود که کمیته حسابرسی در شرکت‌ها تاثیر بسزایی بر استراتژی‌های مدیریت ریسک داشته باشد و به طور قابل توجهی آن را بهبود بخشد (آلارینا، ۲۰۱۷؛ آلینی، ۵ و همکاران، ۲۰۱۶؛ عبدالله و شکور، ۶، ۲۰۱۷).

همچنین در این پژوهش تاثیر تعدیل‌گری ارتباطات سیاسی بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارتباطات سیاسی به معنای انتقال اطلاعات سیاسی از بخش‌های سیاسی به بخش‌های اجتماعی است و بر تعامل متقابل رسانه‌ها و سیاستمداران تاکید دارد. بنابراین تعریف ارتباطات برای تمام جنبه‌های رفتار سیاسی و اجتماعی دارای اهمیت است. بدون ارتباط، نه سیاست و نه جامعه نمی‌تواند وجود داشته باشد. ارتباط، عنصر پویای نظام سیاسی است. جین و مایرز^۷ (۲۰۱۶) در مطالعات کلاسیک خود به نام "اعصاب حکومت" ارتباط را عنصر کانونی درک سیاسی می‌داند. مفهوم ارتباطات سیاسی در واقع نقش ارتباطات و رسانه در حوزه سیاست و قدرت است و بر تعامل میان سیاستمداران و رسانه‌ها تاکید دارد. از دیدگاه فن^۸ و همکاران (۲۰۰۷) ارتباط سیاسی عبارت است از انتقال عمدی یک پیام سیاسی از یک فرستنده به یک گیرنده با هدف ایجاد تغییر در رفتار، گفتار و پندار مخاطب آن‌گونه که فرستنده می‌خواهد.

در این پژوهش استدلال می‌شود که ارتباطات سیاسی از طریق دسترسی آسان به منابع خارجی و قراردادهای مبتنی بر روابط که در نتیجه‌ی نظارت‌های موثر کمیته حسابرسی حاصل می‌شود، منابع ارزشمندی برای شرکت فراهم می‌کند و بر مدیریت ریسک شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد

1. Bansal & Sharma
2. Messier
3. Bailey
4. Alareeni
5. Allini
6. Abdullah & Shukor
7. Jin & Myers
8. Fan

(کلاسنس^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ هوستن^۲ و همکاران، ۲۰۱۴؛ پیوتروسکی و ژانگ^۳، ۲۰۱۴؛ میرزا^۴ و همکاران، ۲۰۱۹؛ بین‌فنگ و سلطان^۵، ۲۰۱۹). همچنین، ارتباطات سیاسی می‌تواند به کاهش مشکلات ناشی از محدودیت‌های مالی کمک کند و سرمایه لازم را برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری شرکت فراهم کرده و ریسک جذب منابع مالی پایین را کاهش دهد و زمانی که ریسک‌های کلی سازمان کاهش یابد، مدیریت اینگونه ریسک‌ها توسط مدیریت بهتر صورت می‌پذیرد.

از سوی دیگر، ارتباطات سیاسی ممکن است با مداخله شدید دولت و انحراف از اهداف نهایی شرکت همراه باشد. بنابراین، برای دستیابی به اهداف اجتماعی یا سیاسی‌ای که دولت به آن‌ها علاقه دارد، مدیران ارشد شرکت‌ها مجبور می‌شوند در پروژه‌های غیرسودآور سرمایه‌گذاری کنند؛ در این بین اگر مدیران از توانمندی کمتری برخوردار باشند و فعالیت‌های کمیته حسابرسی به درستی در شرکت انجام نشود، می‌تواند منجر به هدرروی منابع شرکت شوند (پن و تیان^۶، ۲۰۱۷). در چنین حالتی، مدیران دارای روابط سیاسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادی را شناسایی می‌کنند و در پروژه‌های سرمایه‌گذاری متعددی سرمایه‌گذاری می‌نمایند که در این نظریه با افزایش سطح ریسک‌پذیری شرکت‌ها، ریسک‌های کلی سازمان افزایش می‌یابد و مدیریت ریسک سازمانی تضعیف می‌شود، بنابراین انتظار می‌رود که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی تأثیر معناداری داشته باشد (میرزا و همکاران، ۲۰۱۹).

مدیریت ریسک سازمانی به عنوان یکی از بحث‌های نوظهور در زمینه حسابداری تبدیل شده است و هنوز کمبود تحقیقات فراوانی در این زمینه احساس می‌شود و آنجایی که مدیریت ریسک سازمانی به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای سنجش عملکرد مدیران توسط سرمایه‌گذاران و سهامداران مطرح می‌باشد، بنابراین می‌تواند در جذب یا دفع سرمایه‌گذاران نقش مهمی داشته باشد. از سویی دیگر، با توجه به اینکه در ایران اکثر شرکت‌ها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت غیر مستقیم تحت کنترل دولت هستند و دولت بر عملکرد این شرکت‌ها نظارت و دخالت دارد، لذا به نظر می‌رسد بررسی ارتباطات سیاسی شرکت‌ها و تأثیر آن بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی ضروری و با اهمیت است.

با توجه به مطالب ارائه شده، مسئله اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که آیا بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری وجود دارد؟ همچنین آیا ارتباطات سیاسی، رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را دستخوش تغییر می‌نماید؟

1. Claessens
2. Houston
3. Piotroski & Zhang
4. Mirza
5. Bin-Feng & Sultan
6. Pan & Tian

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به طور معمول در شرکت‌ها از مدیریت ریسک سازمانی برای کاهش آثار مربوط به پیدایش شرایط نامساعد و در نتیجه کاهش تأثیر رفتاری این شرایط بر عملکرد، کارکرد شرکت‌ها و فعالیت‌های مالی استفاده می‌شود. هدف از مدیریت اثربخش ریسک سازمانی، مدیریت نااطمینانی است و شامل فعالیت‌های شناسایی، ارزیابی، پایش و کاهش تأثیر ریسک‌ها بر یک کسب و کار می‌شود. یک برنامه مدیریت اثربخش ریسک صحیح با استراتژی‌های مدیریت اثربخش ریسک مناسب، مشکلات هزینه بر و استرس‌زا را می‌تواند به حداقل برساند و خطر تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی را کاهش دهد.

کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند با مدیریت ریسک سازمانی مرتبط باشد. کمیته حسابرسی به عنوان کمیته فرعی هیئت‌مدیره شناخته می‌شود که از طرفی مسئول ایجاد استراتژی مناسب برای بهبود سلامت مالی شرکت است (بنسال و شارما، ۲۰۱۶) و از سوی دیگر وظیفه دارد تا درباره‌ی فعالیت‌های خود به هیئت‌مدیره پاسخگو باشد (محمدپور و شهرابی، ۱۳۹۳). بنابراین، اگر کمیته حسابرسی تصویر مطلوبی از صورت‌های مالی در برابر اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل ارائه دهد، جایگاه بهتری برای اتخاذ استراتژی‌های موثر در جهت بهبود مدیریت ریسک شرکت خواهد داشت (باردج و رائو، ۲۰۱۸).

از دیدگاه تئوری نمایندگی، کمیته حسابرسی مهم‌ترین نقش را در جهت کاهش مشکلات نمایندگی ایفا می‌کند. پراکنده بودن سهامداران و عدم کنترل و نظارت مستقیم بر مدیران ممکن است که ریسک کلی سازمان را افزایش دهد. علاوه بر این، مدیران نسبت به سهامداران دارای اطلاعات بیشتری در ارتباط با شرکت هستند و بدین ترتیب به واسطه عدم تقارن اطلاعاتی موجود، نمی‌توانند آگاهانه در مورد ریسک‌های پیش روی شرکت تصمیم‌گیری نمایند. بنابراین، مجموعه‌ای از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی از جمله کمیته حسابرسی می‌تواند در کاهش مشکلات نمایندگی و بهبود مدیریت ریسک سازمانی موثر واقع شوند (سیاجین^۲ و همکاران، ۲۰۱۱).

مطالعات پیشین اظهار داشتند که ویژگی‌های واقعی کمیته حسابرسی برای اثربخش بودن کمیته در انجام وظایفش حیاتی می‌باشد (سماها^۳ و همکاران، ۲۰۱۵؛ الزبان و ساوان، ۲۰۱۵؛ عثمان^۴ و همکاران، ۲۰۱۴). اثربخشی کمیته حسابرسی از عوامل زیادی نشأت می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها اندازه، تخصص، استقلال، تعداد جلسات کمیته، دوره تصدی و جنسیت اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد. به طور کلی، نظارت موثر کمیته حسابرسی بر عملکرد مدیران، نیازمند دارا بودن دانش کافی برای ارزیابی تصمیمات مدیریتی می‌باشد و هر چه تخصص اعضای کمیته حسابرسی در مسائل حسابداری و حسابرسی بیشتر باشد و اعضای کمیته از بین مدیران خارج

1. Bhardwaj & Rao
2. Siagian
3. Samaha
4. Othman

از سازمان انتخاب شده باشند (مدیران غیرموظف)، کیفیت کمیته حسابرسی افزایش می‌یابد (روایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴؛ فاکیو^۱، ۲۰۱۶). بر همین اساس، در این پژوهش بر روی سه ویژگی کمیته حسابرسی تاکید شده و میزان اثرگذاری آن‌ها بر مدیریت ریسک سازمانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بنابراین، عدم تقارن اطلاعاتی و تئوری نمایندگی دو تئوری هستند که در پیوند با لزوم استقرار کمیته حسابرسی در شرکت‌ها استفاده می‌شوند. به طور کلی، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی نقش مهمی در رفع عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه‌های نمایندگی دارند. موضوع سیستم راهبری شرکتی، از دو نظر قابل طرح است: ۱- مفهوم نظارت کارآمد و ۲- مفهوم همگرایی منافع. این دو مفهوم در توجیه نتایج به دست آمده از تحقیقات زیادی است که در مورد ویژگی‌های حاکمیت شرکتی انجام شده است؛ به گونه‌ای که از منظر نظارت کارآمد، وجود و استقرار نظام حاکمیت شرکتی، از هزینه‌های نمایندگی می‌کاهد. در ضمن، کاهش ناپایداری (بی‌ثباتی) اقلام درآمدی و فرض وجود رابطه معکوس بین عوامل راهبری شرکتی و اقلام درآمدی شرکت قابل درک است. در حقیقت، پیش‌بینی می‌شود که ویژگی‌های کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی موجب افزایش شفافیت اطلاعات و کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی شود و این عمل موجب تقویت بازار سرمایه می‌شود؛ به طوری که انتظار می‌رود مدیریت ریسک شرکت را بهبود بخشد (حمدن^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

همچنین، در این پژوهش به بررسی اثر تعدیلی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی نیز پرداخته می‌شود. اصطلاح نظام سرمایه‌داری رابطه‌ای، برای توصیف رابطه نزدیک بین دولت با واحدهای تجاری اطلاق می‌شود. واحدهای تجاری تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت دارند؛ زیرا این روابط، منافع زیادی نظیر امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف‌های مالیاتی، دسترسی آسان‌تر به اعتبارات، یارانه‌های دولتی، بستن قراردادهای سودآور، کاهش تعرفه گمرکی و غیره برای آن‌ها در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، واحدهای تجاری مرتبط ممکن است منافع بدست آمده ناشی از این روابط را با دولت تسهیم نمایند. این نوع بافت اقتصادی در سطح جامعه، اقتصاد مبتنی بر رابطه نامیده می‌شود که دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاص خود می‌باشد؛ لذا می‌توان بیان کرد که در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباطات سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای روابط است. شرکت‌های دارای روابط سیاسی، راحت‌تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطات خود دست می‌یابند که باعث می‌شود تا به گونه‌ای آسان‌تر، فرصت‌های سرمایه‌گذاری سود آور را شناسایی کنند و در نتیجه مدیریت ریسک سازمانی در این گونه شرکت‌ها بهبود می‌یابد (دو^۳ و همکاران، ۲۰۱۴؛ کیم^۴ و همکاران، ۲۰۱۱).

1. Faccio
2. Hamdi
3. Du
4. Kim

همچنین، ارتباطات سیاسی، عملکرد شرکت را از طریق کانال‌های مختلفی همچون؛ امتیازهای دولتی از قبیل دسترسی به انواع وام‌های بانکی و غیر بانکی، دسترسی به انواع مواد اولیه، مقررات کمتر و مالیات سبک‌تر بهبود می‌بخشد. با این حال، بسیاری از محققان بر این باورند که ارتباطات سیاسی می‌تواند ریسک‌های پیش‌روی سازمان را افزایش دهد و در نتیجه مدیریت ریسک سازمانی تضعیف شود (چانی^۱ و همکاران، ۲۰۱۱؛ دینگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۵؛ وانگ^۳، ۲۰۱۹). به عنوان مثال، چانی و همکاران (۲۰۱۱) بر این عقیده هستند که از آنجا که امنیت بدست‌آمده از طریق ارتباطات سیاسی منجر به غیر شفاف شدن شرکت‌ها می‌شود و یک سیگنال منفی درباره شرکت به بازار می‌دهد و کیفیت اطلاعات شرکت‌های با روابط سیاسی در مقایسه با همتایان‌شان پایین‌تر می‌باشد. لذا ریسک‌های کلی شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی هستند، بیشتر می‌باشد و مدیریت این ریسک‌ها توسط مدیریت دشوارتر می‌باشد (میرزا و همکاران، ۲۰۱۹).

از سوی دیگر، استدلال می‌شود که فعالیت مدیران سیاسی از شفافیت کمتری برخوردار است و مدیران اطلاعات سیاسی را از سهامداران پنهان می‌کنند. در نتیجه مدیران در زمینه سرمایه‌گذاری، ممکن است بازده بلندمدت پروژه‌های سودآور را فدای بازده کوتاه‌مدت کنند (دنگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). در چنین شرایطی به دلیل سیاسی بودن مدیران شرکت، اعمال نظارت توسط کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی دشوارتر می‌شود. بنابراین در اغلب مطالعات، نقش روابط سیاسی در شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های نامطلوب به چشم می‌خورد و این شرکت‌ها به دلیل دسترسی بیشتر به جریان‌های نقد آزاد، دارای مشکلات نمایندگی بیشتر و ریسک‌پذیری بالا هستند که همه این موارد منجر به مدیریت ضعیف ریسک سازمانی توسط مدیریت می‌شود (بین‌فنگ و سلطان، ۲۰۱۹). بنابراین انتظار می‌رود که ارتباطات سیاسی منجر به تعدیل رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی شود.

یو^۵ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند که ارتباطات سیاسی بر بیش سرمایه‌گذاری تاثیر مثبت و معناداری دارد. بین‌فنگ و سلطان (۲۰۱۹) به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها با تاکید بر نقش تعدیل‌گری ارتباطات سیاسی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین توانایی مدیریت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین ارتباطات سیاسی می‌تواند رابطه بین توانایی مدیریت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها را تقویت کند. مالیک^۶ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود استدلال کردند که مدیریت ریسک سازمانی تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد شرکت‌ها دارد. همچنین در صورت وجود کمیته

1. Chaney
2. Ding
3. Wang
4. Deng
5. Yu
6. Malik

مدیریت ریسک، این تاثیر تقویت می‌شود.

شواهد حاصل شده از پژوهش وانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که شرکت‌هایی با مدیریت ریسک سازمانی ضعیف که به دنبال تامین مالی خارجی هستند، از مدیریت سود واقعی برای جذب هر گه بیشتر سرمایه‌گذاران استفاده می‌نمایند. شاتناوی^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود به بررسی تاثیر تعدیل‌گری مدیریت ریسک سازمانی بر رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت ریسک سازمانی می‌تواند رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت تقویت کند.

یافته‌های حاصل از پژوهش صالحی‌نیا و تامرادی (۱۳۹۸) بیانگر این است که ارتباطات سیاسی بر نسبت بدهی‌های کوتاه مدت، نسبت بدهی‌های بلند مدت، نسبت مجموع بدهی‌ها و هزینه بدهی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که ارتباطات سیاسی بر رتبه اعتباری شرکت‌ها تأثیر منفی معناداری دارد. خواجه‌نصیری و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که بین کمیته حسابرسی و تقلب در گزارشگری مالی رابطه منفی و معنادار وجود دارد، همچنین بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و تخصص اعضای کمیته حسابرسی با تقلب در گزارشگری مالی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، علاوه بر این اندازه کمیته حسابرسی با تقلب در گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری دارد.

عباسیان (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان داد که حضور یک حسابرس داخلی در اجرای حسابرسی‌های داخلی با مدیریت سود، ارتباط منفی دارد. همچنین، جلسات بین کمیته حسابرسی و حسابرس داخلی با مدیریت سود «ارتباط منفی ندارد. روح‌پرور و رازدار (۱۳۹۸) به بررسی تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر بر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی پرداختند. نتایج بدست آمده از این پژوهش حاکی از ارتباط منفی و معنادار ویژگی‌های کمیته حسابرسی (اندازه، استقلال و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی) و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی است. همچنین، نتایج پژوهش هیچ رابطه معناداری بین جنسیت اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی نشان نمی‌دهد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌های بیان شده، فرضیه‌های زیر مطرح شده است:
فرضیه اول) بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم) بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم) بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری

1. Wang

2. Shatnawi

وجود دارد.

فرضیه چهارم) ارتباطات سیاسی، رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌نماید.

فرضیه پنجم) ارتباطات سیاسی، رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌نماید.

فرضیه ششم) ارتباطات سیاسی، رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌نماید.

۴- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات شبه تجربی و در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری می‌باشد و از حیث هدف، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی و پس رویکردی (گذشته‌نگر) و روش آماری آن الگوی رگرسیون خطی چندگانه می‌باشد. اطلاعات واقعی و حسابرسی شده شرکت‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال استخراج و از نسخه ۱۰ نرم افزار EVIEWS برای تحلیل آماری استفاده گردید.

۴-۱- جامعه آماری پژوهش

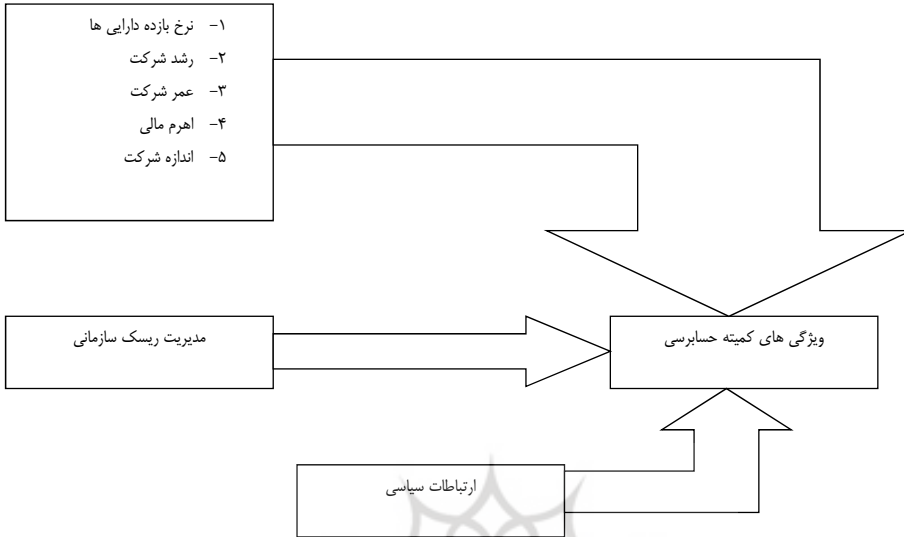
جامعه آماری، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ است که دارای شرایط زیر باشند:

۱. تاریخ پذیرش آن‌ها در بورس قبل از سال ۱۳۹۲ باشد و تا پایان سال ۱۳۹۸ نیز در فهرست بورس اوراق بهادار تهران باشند.
 ۲. در دوره مورد نظر تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
 ۳. داده‌های مورد نظر این پژوهش برای آن‌ها در دسترس باشد.
 ۴. جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گران مالی، شرکت‌های هلدینگ، لیزینگ‌ها و ...) نباشند.
 ۵. به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- با توجه به شرایط ذکر شده، ۱۴۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ به عنوان جامعه آماری انتخاب شد. در مجموع تعداد ۹۸۰ مشاهده (سال- شرکت) مورد آزمون قرار گرفته شده است.

۴-۲- الگو و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، پرو پژوهش توسک و همکاران (۲۰۱۴)؛ شاتناوی و همکاران (۲۰۱۹) از مدل‌های زیر استفاده شده است:

نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش



با توجه به نمودار بالا، مدل‌های رگرسیونی زیر استخراج شده است:

مدل (۱): آزمون فرضیه‌های پژوهش

$$ERM_{it} = \beta_0 + \beta_1 AUDSIZE_{it} + \beta_2 AUDINDP_{it} + \beta_3 AUDEXP_{it} + \beta_4 PC_{it} + \beta_5 (AUDSIZE_{it} \times PC) + \beta_6 (AUDINDP_{it} \times PC) + \beta_7 (AUDEXP_{it} \times PC) + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 MTB_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} LEV_{it} + \beta_{12} SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل‌ها، تعریف عملیاتی متغیرها به صورت زیر است:

متغیر وابسته و نحوه محاسبه آن

در این پژوهش مدیریت ریسک سازمانی (ERM_{it}) متغیر وابسته است. برای اندازه‌گیری مدیریت ریسک سازمانی، از ترکیب ۴ ریسک زیر استفاده شده است (جعفرنژاد و همکاران، ۱۳۹۷):

رابطه (۱)

$$RM_{it} = RR_{it} + SR_{it} + OR_{it} + CR_{it}$$

که در آن:

RR_{it} : راهبرد ریسک گزارشگری است که برای اندازه‌گیری آن از یک متغیر مجازی استفاده

شده است. اگر گزارش حسابرس تعدیل شده باشد (مردود، مشروط و عدم اظهار نظر) عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

SR_{it} : ریسک راهبردها است که برای اندازه‌گیری آن از رابطه زیر استفاده شده است:
رابطه (۲)

$$SR_{it} = \frac{Sales_{it} - \mu Sales_{IND_{it}}}{\sigma Sales_{it}}$$

که در آن:

$Sales_{it}$: فروش خالص شرکت i در سال t .

$\mu Sales_{IND_{it}}$: میانگین فروش ۳ سال قبل i در سال t .

$\sigma Sales_{it}$: انحراف معیار فروش ۳ سال قبل شرکت i در سال t .

OR_{it} : ریسک عملیاتی شرکت است که برای اندازه‌گیری آن از رابطه زیر (نسبت گردش دارایی‌ها) استفاده شده است:

رابطه (۳)

$$OR_{it} = \frac{Sales_{it}}{Assets_{it}}$$

که در آن:

$Sales_{it}$: فروش خالص شرکت i در سال t .

$Assets_{it}$: ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t .

CR_{it} : ریسک رعایت قوانین و مقررات مالیاتی شرکت است که برای اندازه‌گیری آن از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده شده است. نرخ مؤثر مالیاتی برابر است با نسبت هزینه مالیات ابرازی به سود خالص پس از کسر مالیات شرکت i در سال t .

متغیر مستقل و نحوه محاسبه آن

در این پژوهش از ویژگی‌های کمیته حسابرسی به عنوان معیاری برای بررسی اثربخشی کمیته حسابرسی استفاده شده است. ویژگی‌های کمیته حسابرسی در این پژوهش شامل موارد زیر است (توسک و همکاران، ۲۰۱۴):

۱- اندازه کمیته حسابرسی ($AUDSIZE_{it}$): برابر است با تعداد اعضای کمیته حسابرسی شرکت i در سال t .

۲- استقلال اعضای کمیته حسابرسی ($AUDINDP_{it}$): برابر است با تعداد اعضای مستقل کمیته حسابرسی به کل اعضای کمیته حسابرسی شرکت i در سال t .

۳- تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی ($AUDEXP_{it}$): برابر است با تعداد اعضای متخصص مالی کمیته حسابرسی (اعضای کمیته حسابرسی که دارای مدرک تحصیلی مدیریت مالی، حسابداری و حسابرسی هستند) به کل اعضای کمیته حسابرسی شرکت i در سال t .

متغیر تعدیل گر و نحوه محاسبه آن

در این پژوهش ارتباطات سیاسی (PC_{it}) متغیر تعدیل گر است. شرکتی را دارای ارتباطات سیاسی می‌نامند که در آن، حداقل یکی از سهام داران عمده (سهام داری که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارد) از شخصیت‌های سابق یا زمان حاضر در دولت باشد. اگر شرکت دارای ارتباطات سیاسی باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود (صالحی نیا و تامرادی، ۱۳۹۸).

متغیرهای کنترلی و نحوه محاسبه آن‌ها

- ۱- نرخ بازده دارایی‌ها (ROA_{it}): نمایانگر نسبت سود خالص به دارایی‌های شرکت i در سال t و شاخصی برای محاسبه نرخ بازده دارایی‌ها می‌باشد.
- ۲- نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB_{it}): برابر است با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t .
- ۳- عمر شرکت (AGE_{it}): برابر است لگاریتم طبیعی عمر شرکت i در سال t از تاریخ تأسیس.
- ۴- اهرم مالی (LEV_{it}): برابر است با نسبت ارزش دفتری بدهی‌های به جمع دارایی‌های شرکت i در سال t .
- ۵- اندازه شرکت ($SIZE_{it}$): متغیر اندازه شرکت، که برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t .

۵- تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی پژوهش

نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در نگاره (۱) آورده شده است که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است.

نگاره (۱). آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمیته	بیشینه	چولگی
مدیریت ریسک سازمانی	ERM_{it}	۳/۹۵۱	۳/۳۸۱	۴/۱۲۳	-۳/۴۲۹	۲۸/۷۴۰	۲/۸۳۷
اندازه کمیته حسابرسی	$AUDSIZE_{it}$	۳/۱۲۳	۳	۰/۴۷۴	۲	۵	۳/۳۵۲
استقلال اعضای کمیته حسابرسی	$AUDINDP_{it}$	۰/۷۲۴	۰/۶۶۶	۰/۱۸۶	۰	۱	-۰/۵۸۵
تخصیص مالی اعضای کمیته حسابرسی	$AUDEXP_{it}$	۰/۹۰۲	۱	۰/۱۶۸	۰/۳۳۳	۱	-۱/۵۲۱
نرخ بازده دارایی	ROA_{it}	۰/۰۶۰	۰/۰۵۹	۰/۱۶۱	-۰/۵۷۹	۰/۴۶۹	-۰/۸۲۸
رشد شرکت	MTB_{it}	۴/۶۹۸	۲/۷۲۸	۴/۷۴۱	۱/۱۷۳	۱۸/۴۷۸	۱/۷۲۵
عمر شرکت	AGE_{it}	۳/۷۰۷	۳/۸۰۶	۰/۳۳۰	۲/۷۰۸	۴/۲۴۸	-۰/۶۶۵

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمیانه	بیشینه	چولگی
اهرم مالی	LEV _{it}	۰/۶۴۲	۰/۶۵۲	۰/۱۹۳	۰/۱۷۵	۰/۹۰۷	-۰/۳۳۸
اندازه شرکت	SIZE _{it}	۱۴/۴۶۴	۱۴/۴۲۲	۱/۳۸۸	۱۰/۵۳۲	۲۰/۰۶۰	۰/۶۰۱
آمار توصیفی متغیرهای صفر و یکی (مجازی)							
ارتباطات سیاسی	PCit	شرط	تعداد	درصد			
		دارد=۱	۵۰۱	۵۱٪			
		ندارد=۰	۴۷۹	۴۹٪			
		جمع کل	۹۸۰	۱۰۰٪			

منبع: یافته‌های پژوهش

طبق نگاره (۱)، میانگین متغیر ریسک سازمانی تقریباً ۳/۹۵۱ و میانه‌ی آن معادل ۳/۳۸۱ می‌باشد که دارای حداقل مقدار ۳/۴۲۹-، حداکثر مقدار ۲۸/۷۴۰ و انحراف معیاری در حدود ۴/۱۲۳ دارد. نزدیکی میانگین به انحراف معیار مبین نرمال بودن متغیر مدیریت ریسک سازمانی است. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد تعداد متوسط اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های مورد بررسی ۳ نفر بوده است که از این میزان به طور متوسط ۷۲ درصد مستقل و حدود ۹۰ درصد دارای تخصص مالی بوده‌اند.

از سویی، میانگین متغیر نرخ بازده دارایی‌ها تقریباً ۰/۰۶۰ و میانه‌ای در حدود ۰/۰۵۹ دارد. مقدار انحراف معیار آن ۰/۱۶۱ بوده، حداقل و حداکثر مقدار آن به ترتیب ۰/۵۷۹- و ۰/۴۶۹ است. این نتایج نشان می‌دهد که به طور میانگین، میزان سود خالص در شرکت‌ها مورد بررسی حدود ۶ درصد ارزش دفتری دارایی‌ها بوده است. نتایج آمار توصیفی نشان داد که میانگین متغیر اهرم مالی به طور متوسط حدود ۶۴ درصد است که این مبین این مطلب است که در شرکت‌های مورد بررسی میزان بدهی‌ها به طور متوسط حدود ۶۴٪ ارزش دفتری دارایی‌ها بوده است. همچنین، در بررسی متغیر مجازی (صفر و یکی) ارتباطات سیاسی ملاحظه می‌گردد که حدود ۵۱ درصد (۵۰۱ مشاهده سال-شرکت) از مشاهدات مورد بررسی دارای ارتباطات سیاسی بوده‌اند.

۵-۲- آمار استنباطی پژوهش

برای آزمون فرضیه تحقیق از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. به منظور اطمینان از تفسیر روابط رگرسیونی، فرضیه‌های زیر بنایی رگرسیون مورد استفاده در این تحقیق، مورد بررسی قرار گرفت. اولین شرط استفاده از رگرسیون این است که توزیع خطاها باید دارای توزیع نرمال با میانگین صفر باشد. بدین منظور از آزمون آزمون جارک-برا استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌هاست. برای بررسی عدم وجود خود همبستگی متغیرهای مستقل از آماره دوربین - واتسون استفاده شده است. مقدار این آماره بین ۰ تا ۴ تغییر

می‌کند. اگر همبستگی بین مانده‌های متوالی وجود نداشته باشد، مقدار آماره باید نزدیک ۲ شود. اگر مقدار آماره نزدیک به صفر شود، نشان دهنده همبستگی مثبت بین باقیمانده‌ها و اگر نزدیک به ۴ شود، نشان دهنده همبستگی منفی بین باقیمانده‌های متوالی است. به طور کلی اگر آماره دوربین-واتسون بین $1/5$ و $2/5$ قرار گیرد، می‌توان فرض عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل را پذیرفت. برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل از عامل تورم واریانس استفاده شد. تجربیات عملی حاکی از این است که اگر عامل تورم واریانس (VIF) بزرگتر از عدد ۵ باشد، مبین وجود یک اخطار احتمالی است و در صورتی که بزرگتر از ۱۰ باشد، یک اخطار جدی را یادآور می‌شود و حکایت از آن دارد که ضرایب رگرسیونی مربوطه به علت هم‌خطی چندگانه به صورت ضعیفی برآورد شده‌اند. وقتی پراکندگی نزدیک به صفر است، همبستگی چندخطی بالایی وجود دارد و انحراف استاندارد رگرسیون متورم خواهد شد. نتایج آزمون خودهمبستگی و همخطی در نگاره (۲) ارائه شده است و مبین برقرار بودن این فروض مهم رگرسیونی است.

برای انتخاب مدل تحلیل داده، داده‌ها می‌توانند به صورت سری زمانی، مقطعی یا ترکیبی باشند. با توجه به اینکه داده‌های این تحقیق از نوع ترکیبی (پنل) می‌باشند، باید مشخص شود که از نوع تابلویی (پنلی) هستند یا تلفیقی (پولد)؟ بدین منظور از آزمون چاو استفاده می‌شود. برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵٪ باشد یا به عبارتی دیگر آماره آزمون آنها کمتر از آماره جدول باشد، از روش تلفیقی استفاده می‌شود و برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵٪ است، برای تخمین مدل از روش تابلویی استفاده خواهد شد. روش تابلویی خود با استفاده از دو مدل "اثرات تصادفی" و "اثرات ثابت" می‌تواند انجام گیرد. برای تعیین اینکه از کدام مدل استفاده شود، از آزمون هاسمن استفاده شده است. مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵٪ است از مدل اثرات ثابت و مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵٪ است از مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده می‌شود. نتایج این آزمون‌ها در نگاره (۲) ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، با توجه سطح معناداری بدست آمده و همچنین با توجه به سطح معناداری قابل پذیرش که کمتر از ۵ درصد می‌باشد، نتایج حاکی از آن است که برای هم مدل پژوهش از روش تابلویی با در نظر گرفتن اثرات ثابت استفاده گردیده است.

فرضیه اول این پژوهش به این صورت مطرح شد که «اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری دارد». در نگاره (۲)، ضریب متغیر اندازه کمیته حسابرسی ($AUDSIZE_{it}$) معادل 0.102 و آماره t معادل 3.144 می‌باشد که در سطح (0.001) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در واقع، با افزایش تعداد اعضای کمیته حسابرسی، مدیریت ریسک سازمانی بهبود می‌بخشد.

فرضیه دوم این پژوهش به این صورت مطرح شد که «استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری دارد». در نگاره (۲)، ضریب متغیر استقلال کمیته حسابرسی

(AUDINDP_{it}) معادل ۰/۱۸۴ و آماره t معادل ۸/۸۲۱ می‌باشد که در سطح (۰/۰۰۰) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه مبین این است که بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی، با افزایش تعداد اعضای مستقل کمیته حسابرسی، کیفیت مدیریت ریسک سازمانی بیشتر می‌شود. فرضیه سوم این پژوهش به این صورت مطرح شد که «تخصیص مالی کمیته حسابرسی با مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری دارد». در نگاره (۲)، ضریب متغیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (AUDEXP_{it}) معادل ۱/۰۷۴ و آماره t معادل ۵/۱۲۱ می‌باشد که در سطح (۰/۰۰۰) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یعنی، زمانی که تعداد اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی بیشتر شده است، میزان اثربخشی مدیریت ریسک سازمانی افزایش یافته است.



نگاره (۲). نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

$ERM_{it} = \beta_0 + \beta_1 AUDSIZE_{it} + \beta_2 AUDINDP_{it} + \beta_3 AUDEXP_{it} + \beta_4 PC_{it} + \beta_5 (AUDSIZE_{it} \times PC) + \beta_6 (AUDINDP_{it} \times PC) + \beta_7 (AUDEXP_{it} \times PC) + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 MTB_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} LEV_{it} + \beta_{12} SIZE_{it} + \epsilon_{it}$						
متغیر وابسته: مدیریت ریسک سازمانی (ERM_{it})						
متغیر مستقل: اندازه کمیته حسابرسی ($AUDSIZE_{it}$)، استقلال کمیته حسابرسی ($AUDINDP_{it}$)، تخصص مالی کمیته حسابرسی ($AUDEXP_{it}$)						
متغیر تعدیل‌گر: ارتباطات سیاسی (PC_{it})						
متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار خطا	آماره t	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	C	۵/۰۹۵	۱/۷۷۷	۲/۸۶۶	۰/۰۰۴	-
اندازه کمیته حسابرسی	$AUDSIZE_{it}$	۰/۱۰۲	۰/۰۳۲	۳/۱۴۴	۰/۰۰۱	۲/۳۲۶
استقلال اعضای کمیته حسابرسی	$AUDINDP_{it}$	۰/۱۸۴	۰/۰۲۰	۸/۸۲۱	۰/۰۰۰	۲/۴۵۵
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	$AUDEXP_{it}$	۱/۰۷۴	۰/۲۰۹	۵/۱۲۱	۰/۰۰۰	۲/۶۷۴
ارتباطات سیاسی	PC_{it}	-۰/۴۷۳	۰/۰۵۰	-۹/۴۲۲	۰/۰۰۰	۲/۲۱۴
اندازه کمیته × ارتباطات سیاسی	$AUDSIZE_{it} \times PC_{it}$	-۰/۸۴۹	۰/۳۹۷	-۲/۱۳۸	۰/۰۳۲	۱/۲۳۱
استقلال کمیته × ارتباطات سیاسی	$AUDINDP_{it} \times PC_{it}$	-۰/۱۱۷	۰/۰۲۴	-۴/۷۷۸	۰/۰۰۰	۱/۱۴۰
تخصص مالی کمیته × ارتباطات سیاسی	$AUDEXP_{it} \times PC_{it}$	-۰/۲۳۰	۰/۰۱۸	-۱۲/۵۸۵	۰/۰۰۰	۱/۰۳۲
نرخ بازده دارایی	ROA_{it}	۵/۵۷۷	۰/۶۴۸	۸/۶۰۶	۰/۰۰۰	۱/۶۶۲
رشد شرکت	MTB_{it}	۰/۱۳۸	۰/۰۱۷	۸/۰۶۷	۰/۰۰۰	۱/۰۷۸
عمر شرکت	AGE_{it}	-۰/۵۸۲	۰/۲۳۱	-۲/۵۱۵	۰/۰۱۲	۱/۰۵۹
اهرم مالی	LEV_{it}	۱/۴۱۳	۰/۶۵۳	۲/۱۶۳	۰/۰۳۰	۲/۵۳۹
اندازه شرکت	$SIZE_{it}$	-۰/۰۲۱	۰/۰۵۸	-۰/۳۶۷	۰/۷۱۳	۱/۰۶۱
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۷۹		آماره دوربین واتسون		۱/۵۹۶
آماره F		۱۸/۸۷۱		سطح معناداری آزمون فیشر		۰/۰۰۰

آماره آزمون چاو (F لیمر)	۱۲/۵۲۸	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰
آماره آزمون هاسمن	۳۹/۰۴۰	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه چهارم این پژوهش به این صورت مطرح شد که «ارتباطات سیاسی رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌کند». در نگاره (۲)، ضریب متغیر تعدیلی ارتباطات سیاسی در اندازه کمیته حسابرسی ($PC_{it} \times AUDSIZE_{it}$) معادل $-0/849$ و آماره t معادل $-2/138$ می‌باشد که در سطح ($0/032$) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معنی‌داری بر رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. در حقیقت، در شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی وجود دارد، میزان اثربخشی اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی تقویت می‌یابد.

فرضیه پنجم این پژوهش به این صورت مطرح شد که «ارتباطات سیاسی رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌کند». در نگاره (۲)، ضریب متغیر تعدیلی ارتباطات سیاسی در استقلال اعضای کمیته حسابرسی ($PC_{it} \times AUDINDP_{it}$) معادل $-0/117$ و آماره t معادل $-4/778$ می‌باشد که در سطح ($0/000$) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معنی‌داری بر رابطه بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. به عبارتی، در شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی وجود دارد، میزان اثرپذیری استقلال اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی افزایش می‌یابد.

فرضیه ششم این پژوهش به این صورت مطرح شد که «ارتباطات سیاسی رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌کند». در نگاره (۲)، ضریب متغیر تعدیلی ارتباطات سیاسی در تخصص مالی کمیته حسابرسی ($PC_{it} \times AUDEXP_{it}$) معادل $-0/230$ و آماره t معادل $-12/585$ می‌باشد که در سطح ($0/000$) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معنی‌داری بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. در واقع، در شرکت‌هایی

که ارتباطات سیاسی وجود دارد، میزان تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی بیشتر است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و یکی از کمیته‌های فرعی هیأت مدیره می‌تواند مدیریت ریسک سازمانی را تحت تأثیر قرار دهد. کمیته حسابرسی با کارکرد اثربخش می‌تواند با ایجاد راهبردهای مناسب به بهبود نظارت در شرکت و سلامت مالی در گزارشگری کمک شایانی نماید و تصویر مطلوبی از صورت‌های مالی به اعضای هیئت‌مدیره و مدیران اجرایی ارائه دهد، جایگاه بهتری برای اتخاذ استراتژی‌های موثر در جهت بهبود مدیریت ریسک شرکت خواهد داشت (باردج و راثو، ۲۰۱۸). از طرفی، امنیت ایجاد شده از طریق ارتباطات سیاسی منجر به غیر شفاف شدن شرکت‌ها می‌شود و تصمیم‌گیرهای عمدتاً سیاسی افراد وابسته به دولت گاهاً به نفع سهامداران نبوده و این می‌تواند منجر به کاهش نقش نظارتی کمیته حسابرسی (به عنوان یکی از کمیته‌های اصلی هیأت مدیره) و مدیریت ریسک شرکت شود (چانی و همکاران، ۲۰۱۱). در این تحقیق در مقایسه با پژوهش‌های توسک و همکاران (۲۰۱۴) و شاتناوی و همکاران (۲۰۱۹)، اثر تعدیلی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی پرداخته شده است.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در واقع، در شرکت‌هایی که تعداد اعضای کمیته حسابرسی بیشتر بوده است، مدیریت ریسک سازمانی مطلوب‌تر بوده است. طبق مبانی نظری، بیشتر شدن تعداد اعضای کمیته با افزایش کنترل، به بهتر شدن گزارشگری مالی می‌انجامد و کنترل فعالیت‌های مدیرعامل را بهبود می‌بخشد. اندازه کمیته حسابرسی یک فاکتور مهم برای تحویل گزارش‌های پر محتوا توسط شرکت است که این می‌تواند منجر به بهبود مدیریت ریسک شرکت شود.

نتایج پژوهش نشان داد که بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی در شرکت‌هایی که اعضای مستقل در کمیته حسابرسی بیشتر است، مدیریت ریسک سازمانی بهتر است. استقلال کمیته حسابرسی اغلب یک ویژگی بنیادی موثر بر اثربخشی کمیته در نظارت بر فرایند گزارشگری مالی محسوب می‌شود. کمیته حسابرسی جهت انجام نقش نظارتی و حفاظت از منافع سهامداران باید مستقل از مدیریت سازمان باشد. اگر اعضای کمیته حسابرسی، مستقل از مدیریت و مالکان سازمان باشند قادر خواهند بود که مدیریت را از دستکاری نتایج مالی منع کنند و با بهبود عملکرد شرکت، مدیریت ریسک سازمانی را افزایش دهند.

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی در شرکت‌هایی که عضو متخصص

مالی در کمیته حسابرسی بالاتر بوده است، مدیریت ریسک سازمانی بهتر است. اعضای کمیته حسابرسی برای انجام اثربخش وظایف خود در منشور، بایستی تخصص مالی داشته باشند و این تخصص فراتر از آشنایی صرف با صورت‌های مالی است. در صورتی کار کمیته حسابرسی اثربخش خواهد بود که اعضای کمیته حسابرسی در حوزه‌های حسابداری، حسابرسی کنترل داخلی و گزارشگری مالی، متخصص باشند. وجود اعضای متخصص در حوزه‌های مالی، حسابداری و حسابرسی در بین اعضای کمیته حسابرسی احتمال کشف موارد ارائه نادرست صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد، زیرا افراد متخصص جهت حفظ اعتبار حرفه‌ای خود آیین رفتار حرفه‌ای را رعایت می‌کنند و این می‌تواند منجر به بهبود مدیریت ریسک شرکت شود.

نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. در حقیقت با افزایش ارتباطات سیاسی در شرکت، ارتباط بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی تضعیف می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی ممکن است با مداخله شدید افراد وابسته به دولت و انحراف از اهداف نهایی شرکت منجر به افزایش ریسک کلی شده و میزان اثربخشی اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی را کاهش دهد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. در واقع، با افزایش ارتباطات سیاسی، ارتباط بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی کاهش می‌یابد. این نتیجه نشان می‌دهد که فعالیت مدیران سیاسی از شفافیت کمتری برخوردار است و در چنین شرایطی به دلیل سیاسی بودن مدیران شرکت، اعمال نظارت توسط کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی دشوارتر می‌شود که این می‌تواند این رابطه را تضعیف کند. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. به عبارتی با افزایش ارتباطات سیاسی در شرکت، ارتباط بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی تضعیف می‌شود. این نتیجه از آنجا قابل توجیه است که نقش ارتباطات سیاسی در شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های نامطلوب به چشم می‌خورد و این شرکت‌ها به دلیل دسترسی بیشتر به جریان‌های نقد آزاد، دارای مشکلات نمایندگی بیشتر و ریسک پذیری بالا هستند که همه این موارد منجر به تضعیف نقش اعضای متخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ضعیف ریسک سازمانی توسط مدیریت می‌شود.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر اهمیت نقش کمیته حسابرسی در بهبود مدیریت ریسک شرکت‌ها، به مدیران و اعضای هیأت مدیره پیشنهاد می‌شود که به تأثیر مثبت ویژگی‌های کمیته حسابرسی (اندازه، استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی) در بهبود مدیریت ریسک سازمانی توجه ویژه‌ای داشته باشند. از اینرو، به آنها پیشنهاد می‌شود که با افزایش تعداد اعضای کمیته حسابرسی که استقلال داشته باشند و ترجیحاً دارای تخصص مالی نیز باشند، مدیریت ریسک سازمانی را تقویت نمایند. همچنین، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در هنگام

تعیین سیاست‌های سرمایه‌گذاری خود، به میزان اثربخشی واحد کمیته حسابرسی شرکت‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند زیرا این شرکت‌ها عمدتاً دارای یک واحد مدیریت ریسک قوی‌تر هستند که این می‌تواند از ریسک سرمایه‌گذاری آن‌ها بکاهد. به حساب‌رسان پیشنهاد می‌شود که در بررسی میزان ریسک شرکت‌ها، بر نقش مثبت کمیته حسابرسی در مدیریت ریسک توجه ویژه داشته باشند و همچنین، به این مهم توجه داشته باشند که وجود افراد دارای روابط سیاسی در هیأت مدیره صاحبکار می‌تواند نقش کمیته حسابرسی در مدیریت ریسک را تضعیف نماید و لذا خطر حسابرسی در این سازمان‌ها را بالاتر برآورد نمایند.

به محققان پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی اثر نا اطمینانی سیاسی بر مدیریت ریسک سازمانی بررسی گردد. همچنین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تأثیر نا اطمینانی سیاسی بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی بررسی شود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و کمیته حسابرسی پرداخته شود.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. بادآور نهندی، یونس؛ تقی زاده خانقاه، وحید. (۱۳۹۷). تأثیر ارتباطات سیاسی بر کارایی سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۲، صص ۱۹-۴۲.
۲. جعفرنژاد، نوید، مقبل باعرض، عباس و آذر، عادل. (۱۳۹۷). شناسایی و استخراج مؤلفه‌های اصلی مدیریت ریسک سازمان با استفاده از روش فراترکیب. چشم‌انداز مدیریت صنعتی، سال هشتم، شماره ۵، صص ۳۱-۵۰.
۳. خواجه نصیری، سمیه؛ جعفرزاده بی شک، دکتر محمد صادق محمد صادق. (۱۳۹۸). ارتباط بین کمیته حسابرسی و تقلب در گزارشگری مالی، چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، شماره ۱۱، صص ۷۶-۹۲.
۴. روح پرور، ملیحه؛ رازدار، محمدرضا. (۱۳۹۸). تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر برحق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، شماره ۵۶، صص ۳۳۹-۳۶۰.
۵. رویایی، رمضان علی و ابراهیمی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق، فصلنامه حسابداری مالی، شماره ۲۵، صص ۷۱-۸۸.
۶. صالحی نیا، محسن و تامرادی، علی. (۱۳۹۸). تأثیر ارتباطات سیاسی بر سیاست‌های تأمین مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱ (۴۰)، صص ۳۹-۶۰.
۷. عباسیان، یکتا. (۱۳۹۸). تأثیر کمیته حسابرسی و عملکرد حسابرسی داخلی بر مدیریت سود، پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، شماره ۷، صص ۴۷-۶۰.
۸. عبدالحی، احمد و آقای محمدعلی. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی حسابرسی داخلی در عملکرد مدیریت ریسک و کنترل سازمان‌های دولتی، مدیریت سازمان‌های دولتی، شماره ۳، صص ۱-۱۹.
۹. عسگرنژاد نوری، باقر و امکانی، پریرسا. (۱۳۹۶). تأثیر مدیریت اثربخش ریسک بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران: نقش واسطه‌ای سرمایه‌گذاری و اهرم. مدیریت دارایی و تأمین مالی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۹۳-۱۱۲.
۱۰. قادری، کاوه؛ قادری، صلاح الدین و قادری، سامان. (۱۳۹۷). تأثیر عامل رفتاری اطمینان بیش از حد مدیران بر اثربخشی مدیریت ریسک. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۲۷۲-۲۴۳.

ب- منابع خارجی:

1. Abdullah, M., & Shukor, Z. A. (2017). The Comparative Moderating Effect of Risk Management Committee and Audit Committee on the Association Between Voluntary Risk Management Disclosure and Firm Performance. *Journal Pengurusan (UKM Journal of Management)*, 13(1), 762-773.
2. Alareeni, B. (2017). The association between audit firm characteristics and audit quality: A meta-analysis.
3. Allini, A., Manes Rossi, F., & Hussainey, K. (2016). The board's role in risk disclosure: an exploratory study of Italian listed state-owned enterprises. *Public Money & Management*, 36(2), 113-120.
4. Alzeban, A., & Sawan, N. (2015). The impact of audit committee characteristics on the implementation of internal audit recommendations. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 24, 61-71.
5. Bailey, C. (2018). The Impact of Enterprise Risk Management on the Audit Process: Evidence from Audit Fees and Audit Delay. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, Vol. 23, No. 1. Pp. 141-191.
6. Bansal, N. A., & K. Sharma. (2016). Audit committee, corporate governance and firm performance. *International Journal of Economics and Finance*, Vol. 55, No. 8, PP. 50-66.
7. Bhardwaj, M. N., & Rao. (2015). Role of audit committee in corporate governance. *International Journal of Management and Social Science Research Review*, 1 (10): 61-67.
8. Bin-Feng, C and Sultan, S. (2019). Political association, managerial power heterogeneity, and corporate risk-taking in China, *Economic Research-Ekonomiska Istraživanja*, Vol. 2, PP. 202-235.
9. Chaney PK, Faccio M, Parsley D (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *J Account Econ* 51(1-2):58-76.
10. Chen, Y., Chang, Y., Huang, G., and Shih, J. (2019). The value of implementing enterprise risk management: Evidence from Taiwan's financial industry. *The North American Journal of Economics and Finance*, Vol. 55, No. 8, PP. 50-66.
11. Claessens, S., Feijen, E., Laeven, L., (2018). Political connections and preferential access to finance: The role of campaign contributions. *Journal of Financial Economics*, 88 (3), 554-580.
12. Deng, K., Zeng, H. & Zhu, Y. (2017). Political connection, market frictions and financial constraints: evidence from China. *Accounting & Finance*, Early View, Version of Record online: 12 OCT 2017.
13. Ding S, Jia C, Wilson C, Wu Z (2015). Political connections and agency conflicts: the roles of owner and manager political influence on executive compensation. *Rev Quant Finance Account* 45(2):407-434.
14. Du, X., Zeng, Q., Du, Y., (2018). Do politically connected independent directorship Chinese listed private firms enter high-barrier industries? *China Account. Finance Rev.* 16, 121-153.
15. Faccio, T., (2016), "Characteristics of effective audit committees in federal, state and local governments", *The Journal of Government Financial Management*: 44-48.
16. Fan, J.P.H., Wong, T.J., Zhang, T., (2007). Politically connected CEOs, corporate governance, and post-IPO performance of China's newly partially privatized firms. *J. Financ. Econ.* 84, 330-357.
17. Haider, J., and Fang, H.X. (2018). CEO power, corporate risk taking and role of large shareholders. *Journal of Financial Economic Policy*, Vol. 22, No. 2, Pp. 1-32.
18. Hamdan, A. M., Sarea, A. M., & Reyad, S. M. R. (2019). The impact of audit committee characteristics on the performance: Evidence from Jordan. *International Management Review*, 9(1):32-42.

19. Hass, S., Abdolmohammadi, M.J., and Burnaby, P. (2019). The Americas literature review on internal auditing. *Manag Audit. Rev.* Vol. 21, No. 8, Pp. 835-844.
20. Houston, J., Jiang, L., Lin, C., Ma, Y. (2014). Political connections and the cost of bank loans. *Journal of Accounting Research*, 52(1), 193-243.
21. Hoyt, R. E. , and Liebenberg, A. P. (2015). The Value of Enterprise Risk Management. *Journal of Risk and Insurance*, Vol. 78, No. 4, Pp. 795-822.
22. Jin, L., & Myers, S.C. (2016). R2 around the world: New theory and new tests. *Journal of financial Economics* ,79(2), 257-292.
23. Kim, J.B., Li, Y., Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. *Journal of Financial Economics*, 100(3), 639–662.
24. Lee, C.C., Wang, C.W., Chiu, W.C., Tien., T.S. (2018). Managerial ability and corporate investment opportunity, *International Review of Financial Analysis*, 57,65–76.
25. Malik, M; Zaman, M & Buckby, S. (2019). “Enterprise Risk Management and Firm Performance: Role of the Risk Committee”, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, Vol. 29, No. 3, Pp. 129-136.
26. McNally, J. S., and V. H. Tophoff. (2014). Leveraging effective risk management and internal control. *Strategic Finance*, , Vol. 31, No. 3, Pp. 29-36.
27. Meulbroek, L. M. (2012). Integrated Risk Management for the Firm: A Senior Manager’s Guide. *Journal of Applied Corporate Finance*, , Vol. 14, No. 1, Pp. 67-70.
28. Messier, G. ,and G. Visvanathan, (2014). The Effects of audit on Enterprise Risk Management, *Journal of Accounting, Auditing and Finance* 24, 115–144.
29. Mirza, M.M, Safdar, R., Yu, Y., Gulzar, M.A. (2019). Managerial Empowerment and Firm Risk-Taking, *International Business School, Zhejiang Gongshang University, Hangzhou 310018, China.*
30. O’Donnell, A. (2012). 10 Pillars of an Effective Insurance ERM Framework. *Procedia Economics and Finance*, Vol. 15, No. 4, PP. 1015 – 1020.
31. Othman, R. , Ishak, I. F. , Arif, S. M. M. and Abdol, N. (2014). Influence of audit committee characteristics on voluntary ethics disclosure, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 145, 330 – 342.
32. Pagach, D. , and Warr, R. (2018). The Effects of Enterprise Risk Management on Firm Performance. *Journal of Risk & Insurance*, , Vol. 23, No. 3, Pp. 14-36.
33. Pan, L & Tian, T. (2017). Politicians and the IPO decision: The impact of impending political promotions on IPO activity in China. *Journal of Financial Economics*, 111 (1), 111-136.
34. Piotroski, J., Zhang, T. (2014). Politicians and the IPO decision: The impact of impending political promotions on IPO activity in China. *Journal of Financial Economics*, 111 (1), 111-136.
35. Samaha, K., Khlif, H. , & Hussainey, K. (2015). The impact of board and audit committee characteristics on voluntary disclosure: A meta-analysis. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 24, 13-28.
36. Shatnawi, S., Hanefah, M., Aada, A., Eldaia, M. (2019). The Moderating Effect of Enterprise Risk Management on the Relationship between Audit Committee Characteristics and Corporate Performance, *Journal of Banking and Finance*, Vol. 31, pp. 889–913.
37. Shin, H and Park, Y. (2018). Financing constraints and internal capital markets: evidence from Korean ‘Chaebols, *Journal of Corporate Finance*, 5, 169-191.
38. Siagian, F, Sylvia V, Siregar, Y, R. (2011). corporate governance, reporting quality, and firm value: evidence from Indonesia. *Journal of Accounting in Emerging Economies* 3 (1): 4-20.
39. Tusek, B., Tager, L., Barisic, L. (2014). The role of audit committee in the enterprise risk management, available in: www.researchgate.net/publication/292937621 The role of audit committee in the enterprise risk management.

40. Yu, X., Yao, Y., Huanhuan, ZH., Lin, ZH. (2019). The role of political connection on overinvestment of Chinese energy firms, [https:// doi.org/10.1016/ j.eneco . 2019.104516](https://doi.org/10.1016/j.eneco.2019.104516).
41. Wang, T., Lin, Y., Werner, E., Chang, H. (2019). The relationship between external financing activities and earnings management: Evidence from enterprise risk management. *International Review of Economics & Finance*, Vol. 58, PP. 312-329.
42. Zhong, R. (2018). Transparency and firm innovation, *Journal of Accounting and Economics*, In press, corrected proof, Available online 24 February 2018.

